رسم ایستادگی

روایتی از زندگی شهید محمد قربانی فرمانده گروهان لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب

قسمت دوم و پایانی

خاطرات

***سیمان کاری و نماز اول وقت**

تابستان گرم زمان خوبی بود برای کارهای بنایی و ساختمانی؛ گذشت زمان اتاق‌های خانه قدیمی مان را پیر و خمیده و فرتوت کرده بود. بنا به تصمیم پدر قرار شد در قسمت جلوی حیاط ساختمانی دیگر بسازیم با اتاق‌های بیشتر. کارهای ابتدایی آن، یعنی اسکلت‌بندی و دیوارچینی تمام شده بود. نوبت به سیمان‌کاری یا آستر روی آجرها رسیده بود. استاد سیمان‌کار محل کسی نبود غیر از محمد قربانی؛ جوانی هفده‌ساله که هم در رشتهٔ ساختمان درس می‌خواند و هم در کنار برادر بزرگش استاد سیمان‌کاری شده بود و کمک‌خرج خانواده. روزیهمان‌طور که مشغول کار بود، پرسیدم: «محمدآقا! چرا بین این همه کارهای ساختمانی مثل گچ‌کاری، گِل‌کاری، دیوارچینی، شما سیمان‌کاری رو انتخاب کردی؟»

با لبخندی که همیشه بر لب داشت، گفت: «این سیمان‌کاری که انجام می‌دیم، خیلی کثیفی نداره! یعنی این‌که شما وقتی سیمانو می‌زنی به دیوار و کار انجام می‌شه، دستات اگه سیمانی بشه یک تکان که بدی سیمان‌ها از آن می‌ریزه؛ حتی لباس‌هات رو هم اگه یک تکانی بدی، همهٔ سیمان‌ها می‌ریزن. آن موقع خیلی راحت دست‌ها رو می‌شویی و خیلی سریع می‌تونی وضو بگیری. اصلاً زمان زیادی برای تمیز کردن دست‌هات نمی‌بره اما گچ‌کاری یا گل‌مالی ساختمان این طور نیست. حُسن سیمان‌کاری همینه که به نماز اول وقت می‌رسی!»

رمضان حاجی قربانی‌زاده، دوست و هم‌رزم شهید

***کمک به مادر در کارهای خانه**

مادرم می‌گفت: «روزها محمد برای این‌که کسی مطلع از کارش نشه، در ورودی حیاط رو می‌بست و کارهای خانه، از شست‌وشو و رفت‌وروب رو انجام می‌داد و این روال حتی زمانی که فرمانده بود، ادامه داشت. هر چه می‌گفتم خودم انجام می‌دم قبول نمی‌کرد و وظیفه و توفیق برای خودش می‌دانست. بعد از اون همه کار خسته و کوفته به سر کار خود می‌رفت برای شروع یک روز کاری سخت.»

فاطمه، خواهر شهید

***از بین بردن ترس**

نوجوانی بیش نبودم و ترس پرمعناترین واژه بود برایم در مواجهه با شرایط جدید. فرمانده این را خوب می‌دانست؛ بنابراین اولین هدفش از بین بردن ترسمان بود.

هنگامی که از مهرنگار، بلندترین کوه منطقه، بالا می‌رفتیم و در نزدیکی‌های قله متوجه می‌شدیم فرمانده همراه مان نیست با آرامش خاطر می‌ایستادیم تا کمی نفس کوهستان را مهمان ریه‌هامان کنیم که صدای مهیب رگبار گلوله بند از بند دل‌مان پاره می‌کرد. با دقت به اطراف نگاه می‌کردیم. سراسیمه به سمت قله می‌دویدیم. انعکاس صدای تیراندازی در گوش کوه می‌پیچید و نه تنها بند دل‌مان که گوش‌هایمان نیز پاره می‌شدند. خوب که نگاه می‌کردیم، متوجه می‌شدیم، فرمانده در کوه مقابل ایستاده و چند متر پایین‌تر از پاهای‌مان را هدف قرار داده و شلیک می‌کند. این عمل پایانی بود برای ترس‌هایم و آغاز جسارت‌هایی که در جنگ از خود نشان می‌دادم. هدف فرمانده آمادگی ما در تمام شرایط بود؛ این‌که به ما نشان دهد دشمن همیشه در کمین و آماده است. بنابراین در تمام مکان‌ها و زمان‌هایی که فکرش را نمی‌کردیم چاشنی می‌گذاشت.

علی عالمی، دوست و هم‌رزم شهید

***معجزه دیدار با امام خمینی**

در گشوده شد و معنای عشق، پاکی و سادگی و سکوت و بندگی در برابر دیدگان حیران‌مان نمایان شد. امام بود؛ خمینی عزیز. نزدیک شدیم. نفس‌مان به شماره افتاده بود. در یک لحظه قلب‌مان ایستاد؛ چشمان‌مان وقتی به امام افتاد، مثل ابر بهار باریدیم. طاقت‌مان تاب نیاورد و زانو درهم شکستیم؛ تمام نیروی خود را به پاهایمان دادیم و چند گام جلو رفتیم؛ به گرمی ما را پذیرفت. دستان گرمش را بر روی سرمان کشید. نگاه مهربانش به ما فهماند باورمان کرده است. محمد بی‌تاب شده بود. نمی‌دانم محمد چه فیضی از این دیدار یافته بود و امام با آن نگاه نافذش با او چه کرده بود که جان محمد را به آتش کشید و بی‌تابش کرد؛ حتی تاریخ و نحوه شهادتش را می‌دانست.

محمود عالمی، دوست و هم‌رزم شهید

***مراسم عقد و ماموریت نظامی**

سال ۱۳۵۹ سپاه تازه شکل گرفته بود و محمد فرماندهٔ زبدهٔ عملیات آن، فرماندهی که هیچ‌گاه برای خودش نبود تا جایی که حتی در بهترین لحظات زندگی‌اش که قرار عقد را برای روز جمعه گذاشته بودند باز از محمد خبری نبود. دور از شهر در اردوگاه چشمه‌علی دامغان، فرمانده به همراه تعداد زیادی از بچه‌های داوطلب برای آموزش‌های نظامی و عقیدتی به آنجا رفته بود. چند ساعت تا برگزاری مراسم عقد بیشتر نمانده بود. پدرم تصمیم گرفت به اردوگاه برود و او را با خود بیاورد. با تلاش زیاد توانست برای چند

ساعت و جاری شدن خطبهٔ عقد او را از اردوگاه خارج کند. زمان موعود فرا رسید و مراسم طبق رسم آن روزها در شهر دامغان با حضور بستگان نزدیک دو خانواده با جاری شدن خطبهٔ عقد برگزار شد.

محمد و عصمت به حرمت و پاس‌داشت آن روز بزرگ زندگی‌شان تصمیم گرفتند با حضور در مراسم روحانی نماز جمعه در مسجد جامع شهر، عهدی را که پای سفرهٔ عقد در نگاه آینه بسته بودند، محکم کنند.

دوباره به اردوگاه بازگشت. چند ساعتی از اولین دیدار و سپس جداییشان نمی‌گذشت که خبر رسید چشم محمد آسیب دیده است؛ در اردوگاه هنگام خنثی کردن تله‌های انفجاری. او را به بیمارستان انتقال دادند و از آنجا به تهران.

محمدحسین، برادر شهید

***اهدای مخارج ازدواجمان به دولت**

«به نام پیوند دهندهٔ قلب ها»

در قلب هاست که توحید شکوفا می‌شود و حرکت شکل می‌گیرد. حرکت به سوی یکی‌شدن و مسیر تکاملی به سوی خدا. پیوندهاست که حماسه می‌آفریند و حماسه‌هاست که تاریخ ساز است.

عصمت و محمد

و ما در این برهه از زمان، پیوند توحیدی فرزندان‌مان را اعلام نموده و با توجه به شرایط کنونی جنگ، مخارج مراسم ازدواج‌مان را به حساب ۲۲۲ نخست–وزیری واریز می‌نماییم.

خانوادهٔ منشی زاده – قربانی

هر کلمه که می‌نوشتیم، نگاهش را بر چهره‌ام دوخته بود و چیزی جز لبخند نثارش نمی‌کردم. بازتابی از زیباترین ثانیه‌های عمرم در برابر چشمانم بود که یک‌دل و صمیمی لحظه‌های پرشوری را به دیگران اعلام می‌کردیم؛ اما با مخالفت و تعصب هر دو خانواده مواجه شدیم. با اصرار برادر محمد، مجلس ساده‌ای برگزار شد. برادرش گفت: «شما کار خودتان را کنید، منم کار خودمو؛ آخر من هم آرزو دارم، همین یک برادر رو دارم.» به ناچار قبول کردیم.

عصمت منشی‌زاده، همسر شهید

***مزد حفظ آبروی مردم**

چند ماهی از شهادت محمد می‌گذشت. هر روز صبح را بدون محمد آغاز می‌کردیم. عادت به نبودنش جزء عادت‌های بدمان شده بود و به‌سختی دچارش شده بودیم. بعد از عملیات محرم، عکس فرماندهان در بوم‌های بزرگ، نقاشی شده و در مرکز شهر نصب شده بود. هرکس به میزان آشنایی و شناختش با ذکر صلوات یادی از آنان می‌کرد. از خانه خارج شدم. به سمت مرکز شهر به راه افتادم. به میدان امام رسیدم. آن روز صبح با سایر روزها فرق داشت. چند نفر را دیدم که اطراف عکس شهدا ایستاده‌اند و یکی از آن‌ها جعبه‌ای شیرینی در دست دارد و به هرکس که می‌گذرد، شیرینی تعارف می‌کند و حرفی زیر لب زمزمه می‌کند. نزدیک شدم. چهره‌اش آشنا بود. جلوتر رفتم. جعبهٔ شیرینی را مقابلم گرفت و تعارف کرد. برداشتم و تشکر کردم. او در جوابم گفت: «برای شهید محمد قربانی فاتحه‌ای بخوان.»

صحبتش که تمام شد، تصویر تاریکی که از آن اشخاص در ذهن داشتم به یاد آوردم. به او گفتم: «شما که با شهید مخالف بودید!»

آن چند نفر به هم نگاهی انداختند و سرهایشان را به زیر انداختند. یکی از آن‌ها گفت: «ما با اخلاق و رفتار شهید که آبروی ما رو نبرد به انقلاب روی آوردیم!»

همان مردی که جعبهٔ شیرینی در دستش بود. دستم را گرفت و من را به کناری کشید و گفت: «اون شب، توی روستا در خانهٔ پدرم بودم با بیست نفر از بچه‌های دیگه مشغول تفریح بودیم. دود و دم‌مان هم به‌راه بود. یک نگهبان هم جلوی در حیاط گذاشته بودیم. نیمه‌های شب بود که کسی محکم در را می‌کوبید. از ترس برق را خاموش کردیم. در باز شد. شهید محمد با نیروهایش وارد شدند. نتوانستیم در برابر فریاد محکم و شجاعت او و یارانش مقاومت کنیم. ناچار تسلیم شدیم. با دستور فرمانده محمد خواستند به ما دست‌بند بزنند و ما را به سپاه ببرند اما از او خواهش کردیم، این کار را نکن. ایشان دستور داد که اسامی را بنویسند و ما خودمان به فاصلهٔ پانزده دقیقه یک بار، یکی یکی به سپاه برویم و خودمان را معرفی کنیم. با پیشنهاد او بسیار خوشحال شدیم؛ زیرا آبرومان حفظ می‌شد اما نیروهای تحت امرش بسیار ناراحت شدند و به ایشان گفتند: شما چرا این کار را کردید؟ شهید محمد گفتند: ما می‌خوایم انسان بسازیم. نمی‌خوایم که انسان‌ها رو نسبت به انقلاب بدبین کنیم. اما آن‌ها قبول نکردند و دوباره به فرمانده‌شان گفتند: این کاری که شما انجام می‌دید خلافه! ما همه مأمور هستیم! شهید محمد گفت: من مأمور هستم چون فرماندهٔ شما هستم و شما مطیع یک فرمانده! من می‌گم اسمشان را بنویسید و هرکدام با ماشین‌هایشان یک‌ربع به یک‌ربع به سپاه بیان و خودشون رو معرفی کنن. ما هم بعد از چند ساعت که هنوز خیابان‌های شهر آرام و خلوت بود، طبق دستور شهید محمد خودمان را به سپاه معرفی کردیم. از آن شب به بعد شیفتهٔ اخلاق و مرام و جوانمردی‌اش شدیم. امروز هم این کار کمترین کاری است که برایش انجام می‌دهیم.»

محمدحسین، برادر شهید

*** گزیده‌ای از وصیت‌نامه**

الحمدلله این انقلاب راه خود را یافته و مقصد اصلی که اتصال آن با انقلاب حضرت مهدی(عج) می‌باشد ادامه خواهد داد و ضامن آن خون سرخ مسلمین خواهد بود.

و اما شما پدر و مادر و همسر و خواهر و برادر و هم‌چنین خانوادهٔ همسرم! امیدوارم از شهادت این حقیر هیچ‌گونه تزلزلی به دل راه ندهید و اگر هم می‌گویید داغ جوان و همسر و برادر مشکل است و نمی‌توان به‌آسانی از آن گذشت، یک لحظه خود را جای حسین‌بن‌علی(ع) گذاشته و مصیبت‌های آن عزیزان را بسنجید و یا خانواده‌هایی را که در این انقلاب سه الی چهار فرزند خود را از دست داده‌اند و دم بر نیاورده‌اند؛ زیرا چون مرگ در راه خداست و برای اوست خود او کمک خواهد کرد و راهش به یاد خدا بودن است، قرآن کریم می‌فرماید: «تنها به یاد خدا بودن است که دل‌ها آرام می‌گیرد.» پس به یاد خدا باشید تا مشکل آسان شود.

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم
موجیم که آسودگی ما عدم ماست

آگهی مناقصه عمومی

تأمین خودرو در سطح استانی

صندوق حمایت از توسعه زراعت در دیمزارهای کشور، در نظر دارد تامین خودرو جهت انجام سرویس های مورد نیاز روزانه در بستر سامانه اینترنتی از طریق برگزاری مناقصه به پیمانکار واگذار نماید .

متقاضیان می توانند حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۰ آمادگی خود را به ایمیل info@deymfund.ir ارسال نمایند.

بدیهی است دریافت اسناد و ارائه مدارک مربوطه ، هیچگونه حقی برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد و مناقصه گزار در رد یا قبول پیشنهادات مختار است .

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده، نوبت دوم "انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم ایران" شماره ثبت: ۱۱۳۷۶ به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۵۰۰۵۷

با توجه به عدم تحقق نصاب لازم در جلسه اول، از کلیه اعضا محترم انجمن دعوت می شود در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده، نوبت دوم که در روز چهارشنبه چهاردهم آبانماه راس ساعت ۱۵ در محل سالن اجتماعات خانه سینما برگزار می‌گردد، حاضر گردند.

دستور جلسه:

۱ - استماع گزارش شورای مرکزی و بازرس
۲ - انتخاب اعضای شورای مرکزی
۳ - انتخاب بازرس
۴ - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی است.

شورای مرکزی انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم ایران

آگهی دعوت نوبت اول سهامداران شرکت تالوی سبز گلستان

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت تالوی سبز گلستان سهامی خاص بشماره ثبت ۱۶۵ گالیکش و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۰۱۸۴۷۴ دعوت میشود تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۷ / ۰۸ / ۱۴۰۴ در محل دفتر مرکزی شرکت بنشانی: استان گلستان، شهرستان گالیکش، بخش مرکزی، شهر گالیکش، شهباز نوروزی، خیابان مصطفی خمینی، کوچه (مهدیه) ، پلاک ۰، طبقه همکف کدپستی ۴۹۸۳۱۳۶۹۹۹ تلفن ۰۱۷۳۵۸۳۸۱۶۸ تشکیل میگردد حضور به هم رسانند .

دستور جلسه: ۱ - مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده (انتخاب / تعیین سمت مدیران - انتخاب بازرس / بازرسان - انتخاب روزنامه کثیر الانتشار)
سایر مواردی که در صلاحیت مجمع فوق باشد.

هیئت مدیره شرکت

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای تجدید فراخوان آسفالت معابر شهر بوانات

شهرداری بوانات

شهرداری بوانات درنظر دارد تجدید فراخوان آسفالت به شماره (سیستمی) ۲۰۰۴۰۰۵۰۱۹۰۰۰۰۰۲ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

-تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶
-مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴
-مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴
-زمان بازگشایی پاکت‌ها: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: فیش واریزی و یا ضمانتنامه بانکی به مبلغ ۴/۰۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: استان فارس، شهرستان بوانات، بلوار شورا ۰۷۱۴۴۴۰۳۲۵۲

اطلاعیه شرکت تعاونی مسکن کارکنان شرکت پنها شماره ثبت ۴۰۶۶۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۶۰۴۷۵ آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده سال ۱۴۰۴ نوبت اول

بدینوسیله از کلیه اعضاء محترم دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده سالیانه نوبت اول این شرکت که روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۶ راس ساعت ۱۰ الی ۱۱ صبح در محل سرای محله شهرداری مرزداران غربی به آدرس میدان صادقیه بزرگراه اشرفی اصفهانی خیابان بی نظیر سرای محله مرزداران غربی تشکیل میشود حضور به هم رسانند.

نکته ۱: چنانچه حضور عضوی در مجمع میسر نباشد می تواند حق حضور و اعمال رای خود را به عضو دیگری واگذار نماید که در این صورت هرعضو نمایندگی حداکثر یک عضو و هر غیر عضو نمایندگی تنها یک عضو را می تواند پذیرا باشد.

نکته۲: اعضاء به منظور اعطای وکالت (وکیل به همراه موکل) از تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۷ الی ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ در روزهای زوج از ساعت ۱۰ الی ۱۴ به دفتر تعاونی مسکن پنها مراجعه و وکالت خود را تفویض نمایند . بدیهی است وکالت اعضاء محترم خارج از تاریخ مذکور و یا بدون حضور یکی از طرفین قابل قبول نمی‌باشد.

دستور جلسه: ۱ - انحلال یا تمدید مدت فعالیت تعاونی مسکن و اصلاح ماده ۶ اساسنامه ۲ - تطبیق اساسنامه تعاونی منطبق با آخرین اساسنامه ابلاغی بنیاد تعاون و دجا بر اساس دستورات واصله از سلسله مراتب وزارت دفاع ۳ - تغییر نام تعاونی مسکن بر اساس دستور شرکت پنها

هیئت مدیره تعاونی مسکن پنها

اطلاعیه

به اطلاع کلیه اعضاء محترم شرکت تعاونی منحله مصرف فرهنگیان در حال تصفیه شهرستان جوین (((اعم از کسانیکه از ابتدای تاسیس (سال ۷۴) تاکنون عضو شرکت هستند و کسانیکه در سالهای گذشته عضویت خود را به خود شرکت و یابه دیگران فروخته اند میرساند این شرکت با شماره ثبت ۴۵ و باشناسه ۱۰۳۸۰۰۱۰۱۱۲ که طی تشریفات مجامع عمومی وفوق العاده و به استنادنامه شماره ۱۴۰۲۳۰۴۰۶۲۰۴۰۰۰۱۵۹ مورخه ۱۴۰۴/۱۰/۱۲ اداره کل محترم ثبت و اسناد و املاک خراسان رضوی منحل گردیده و ساختمان و متعلقات آن به فروش رسیده و توسط کارشناس محترم دادگستری مبلغ حق السهم عضویت هر فرد بر اساس میزان سنوات و مبلغ سرمایه گذاری محاسبه شده و آماده پرداخت می باشد لذا از اعضاء محترم دعوت میگردد از تاریخ ۱۴۰۴/۸/۱ به محل دفتر هیئت تصفیه واقع در خراسان رضوی شهرستان جوین ،شهر نقاب، خیابان معلم (آموزش و پرورش خیابان حافظ روبروی ساختمان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همه روزه غیر از جمعه ها وروزهای تعطیل از ساعت ۸ صبح لغایت ۱۳ جهت دریافت حق عضویت خود مراجعه نمایند. ضمنا هنگام مراجعه مدارک مشروحه ذیل الزامی می باشد : ۱- کارت ملی - ۲- دفترچه عضویت - انحصار وراثت برای ورثه اعضاء فوتی ۴- وکالت محضری برای کسیکه به نمایندگی میخواهد وجه دیگر وراث یا فرد دیگری را دریافت کند.

شماره های تماس: ۱- احمد ناظمی پور مدیر هیئت تصفیه ۰۱۹۵۳۷۱۲۷۹۵ و ۲ - اسماعیل ملایجردی (نایب رئیس) ۰۹۱۵۳۷۱۳۵۱۲۰ و ۳- حجت اله امیر احمدی (منشی) ۰۹۱۵۳۷۱۲۷۴۰ و ۴- محمد رضا قائمی زاده (ناظر) ۰۹۱۵۳۷۱۲۷۳۹

با احترام هیئت تصفیه شرکت تعاونی مصرف منحله در حال تصفیه فرهنگیان شهرستان جوین

آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آیین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۶۰۳۰۱۳۸۶۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۳ هیات موضوع قانون تعیین وتکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه دو رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض خانم طیبه مردی فرزند پنجعلی به میزان ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۸۹/۹۵ مترمربع به شماره پلاک فرعی ۴۷۱۹ مفروز مجزی ازپلاک ۹۵ از اصلی ۷۸ واقع در قریه کیژده بخش چهار رشت خریداری مع الواسطه از مالک رسمی محرز گردیده است ، لذا به منظور اطلاع عموم ، مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند ، بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۸/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۸/۲۱
م الف ۴۴۹۷ شناسه آگهی : ۲۰۳۲۰۷۰

علی غلامعلی زاده رودکلی - رئیس اداره ثبت اسناد واملاک ناحیه دو رشت

آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظر به اینکه هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰ مستقر در اداره ثبت اسناد ولی املاک شهرستان بروجن مالکیت و تصرفات مفروزی خانم عصمت محمد صادقی نقنه فرزند فتح اله در ششدانگ یک قطعه باغ تحت پلاک ۱۵ فرعی واقع در اراضی نقنه مزرعه حسن بگی پلاک ۱۴۳۹ (۱/۱۸۳)- اصلی بخش ده ثبتی را تایید نموده و آگهی موضوع ماده یک و سه قانون مذکور و ماده ۱۳ آیین نامه فوق الذکر منتشر و مهلت اعتراض سپری گردیده و با عنایت به اینکه پلاک ۱۴۳۹ (۱/۱۸۳)- اصلی در جریان ثبت بوده و تحدید حدود قانونی نشده است آگهی تحدید حدود اختصاصی آن به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون مذکور و به اطلاع کلیه مجاورین و صاحبان حقوق ارتفاقی میرساند که عملیات تحدید حدود در روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۸/۲۸ راس ساعت ۹ صبح در محل شروع و بعمل خواهد آمد و در صورت مصادف با تعطیلات پیش بینی نشده عملیات تحدید حدود در روز بعد انجام خواهد شد ./.

لذا بموجب این آگهی به کلیه مالکین پلاکهای مجاور اخطار میگردد که در روز و ساعت مقرر در محل حضور بهم رسانند اعتراضات مالکین مجاور طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی تا سی روز پذیرفته خواهد شد در ضمن برابر ماده ۸۶- آئین نامه قانون ثبت معترض می بایستی ظرف مدت سی روز از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست اعتراض به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد ارائه نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی مبنی بر عدم تقدیم دادخواست را اخذ و به اداره ثبت ارائه نماید اداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه می دهد ./.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بروجن رسول تعمیدی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظر به اینکه هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰ مستقر در اداره ثبت اسناد ولی املاک شهرستان بروجن مالکیت و تصرفات مفروزی خانم عصمت محمد صادقی نقنه فرزند فتح اله در ششدانگ یک قطعه باغ تحت پلاک ۱۶ فرعی واقع در اراضی نقنه مزرعه حسن بگی پلاک ۱۴۳۹ (۱/۱۸۳)- اصلی بخش ده ثبتی را تایید نموده و آگهی موضوع ماده یک و سه قانون مذکور و ماده ۱۳ آیین نامه فوق الذکر منتشر و مهلت اعتراض سپری گردیده و با عنایت به اینکه پلاک ۱۴۳۹ (۱/۱۸۳)- اصلی در جریان ثبت بوده و تحدید حدود قانونی نشده است آگهی تحدید حدود اختصاصی آن به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون مذکور و به اطلاع کلیه مجاورین و صاحبان حقوق ارتفاقی میرساند که عملیات تحدید حدود در روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۸/۲۸ راس ساعت ۹ صبح در محل شروع و بعمل خواهد آمد و در صورت مصادف با تعطیلات پیش بینی نشده عملیات تحدید حدود در روز بعد انجام خواهد شد ./.

لذا بموجب این آگهی به کلیه مالکین پلاکهای مجاور اخطار میگردد که در روز و ساعت مقرر در محل حضور بهم رسانند اعتراضات مالکین مجاور طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی تا سی روز پذیرفته خواهد شد در ضمن برابر ماده ۸۶- آئین نامه قانون ثبت معترض می بایستی ظرف مدت سی روز از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست اعتراض به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد ارائه نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی مبنی بر عدم تقدیم دادخواست را اخذ و به اداره ثبت ارائه نماید اداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه می دهد ./.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بروجن رسول تعمیدی

آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آیین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۶۰۳۰۱۱۸۳۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۷ هیات موضوع قانون تعیین وتکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه دو رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای محمود گلعلی زاده فرزند هادی به میزان ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احداثی به مساحت ۱۸/۷۷ مترمربع به شماره پلاک فرعی ۴۵۹۲۴ مفروز مجزی ازپلاک ۳۴۴ از اصلی ۷۷ واقع در قریه شالکو بخش چهار رشت خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای حسین علی کاشانی محرز گردیده است ، لذا به منظور اطلاع عموم ، مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند ، بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۸/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۸/۲۱
م الف ۴۵۷۷ شناسه آگهی: ۲۰۳۵۱۲۹

علی غلامعلی زاده رودکلی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو رشت

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود شش دانگ یک قطعه باغ گردو قسمتی از پلاک شماره فرعی اصلی ۱۷۰۵ واقع در بخش یک تویسرکان به مساحت ۳۴۳۰/۷۵ متر مربع ملکی مهین شریف زاده و عفت شریف زاده نام پدر غلامحسین از تحدید خارج گردیده و اعمال تبصره ذیل ماده ۱۵ قانون میسور نبوده و بنا به درخواست کتبی مالکین تحدید حدود ششدانگ پلاک مذکور راس ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۹ بعمل خواهد آمد بنابراین به موجب این آگهی به مالک یا مالکین مجاور و غیره اخطار می شود که در وقت تعیین شده در محل حضور بهم رسانند ضمناً واخواهی به حدود و حقوق ارتفاقی از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی فقط بمدت ۳۰ روز پذیرفته می شود و معترض می بایست ظرف مهلت مقرر اعتراض خود را به اداره ثبت ارائه و دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی می تواند گواهی عدم دادخواست از دادگاه دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید که اداره ثبت نیز بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را ادامه خواهد داد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶
م الف ۲۳۶۱

محمد علی جلیلوند– مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تویسرکان

سازمان آگهی های روزنامه جمهوری اسلامی آماده دریافت آگهی از همشهریان گرامی میباشد

تلفن تماس: ۷۷۶۴۴۴۱۰ و ۷۷۶۴۴۴۱۱ نمابر: ۷۷۶۴۴۴۱۲
۹-۷۷۶۴۴۴۲۰ داخلی ۷۸ و ۷۷